

# حضرت زهرا سلام الله عليها در سجاده بندگی



بسم الله الرحمن الرحيم

نویسنده: آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

منبع: جامی از زلال کوثر

تهیه کننده: مرکز تخصصی نماز

## مقدمه:

صحیفه تاریخ، تا به حال شاهد عبادت‌هایی بس شگفت از اولیای الهی بوده است. در میان تمامی عبادت‌ها، آنچه به صفحات تاریخ زینت و جلوه‌ای بی نظیر بخشیده، عبادت‌های بانوی بزرگواری است که در اوج جوانی، مایه فخر و مباهات عابدان گردیده است. این عابده بی همتا، هموست که در وصف عبادتش چنین آمده است:

## زهرا در سجاده بندگی

در تمام دنیا، عابدتر از فاطمه (علیها السلام) یافت نمی‌شود؛ او به حدی برای عبادت برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. [1] باری، عبادت‌هایی که از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، گزارش شده است با آنچه تا به حال دیده یا شنیده ایم، بسیار متفاوت است. آن حضرت در دوران کوتاه عمرشان، با عبادت‌هایی بی نظیر به فتح رفیع‌ترین قله‌های بندگی و عبودیت نایل آمدند؛ به گونه‌ای که عبادات ایشان با عبادت‌های انبیا، اولیا و دیگر دوستان خداوند، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت، قابل مقایسه نیست:

خجل از سبحة سجّاده زهدت یحیی \*\*\* بنده قدس تو عیسی و کنیزت مریم

فخر جاروب کشی حَرَمَت با حوّا \*\*\* شرف بندگی خاك درت با آدم. [2]

توصیف کمیت و کیفیت عبادت فاطمه زهرا (علیها السلام) کاری است و رای امکان که جز از عهده خداوند و برگزیدگان خاص او بر نمی آید.

در عظمت عبادت او همین بس که خداوند عالمیان به وصف عبادات او و یگانه کفو و همتایش، [3] علی (علیه السلام) می پردازد. آری، اوج عبادت آن حضرت، در آخرین آیات سوره آل عمران، از کلام خداوند رحمان، جلوه نموده است: **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...؛** [4] آنان که خدای را [در همه حال؛] ایستاده، نشسته و خفته بر پهلوهایشان یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند...

عبادت فاطمه (علیها السلام) از لحاظ کمیت، تا بدان حد گسترده است که در لحظه لحظه زندگی او حضور و ظهور دارد؛ رفتار او، گفتار او، نگاه او، تلاش او، نفس کشیدن او و هر لحظه شب و روز او عبادت بود. [5] او هر شب بعد از خوابانیدن بچه ها و فراغت از دیگر وظایف خانه داری، بر سجاده عبادت به نماز می ایستاد؛ تا جایی که پاهای مبارکش کبود و متورّم می شد.

شب ازدواج آن عابده بی همتا، چنین گزارش شده است:

علی (علیه السلام) در آن شب همسرش را نگران و گریان دید. علت را پرسید. فاطمه فرمود: حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم؛ چرا که انتقال از خانه پدرم به منزل خودم، مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیا در این ساعات آغازین زندگی به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا بپردازیم. [6]

آری، فاطمه زهرا (علیها السلام)، این اسوه کامل و دُرَدانه بانوان جهان، در شیرین ترین و خاطره انگیزترین لحظه های زندگی نیز از هدف خلقت خویش غافل نمی شود و از همسرش می خواهد که از آن شب نیز برای تقرب به خداوند استفاده کنند. شخصیت زهراى اطهر (علیها السلام) از همان شب اول چنان برای علی (علیه السلام) جلوه می یابد که وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فردای آن شب از علی می پرسد: همسرت را چگونه یافتی؟! بی درنگ می گوید: **يَعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛** [7] بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خداوند.

اما بشنویم وصف عبادت فاطمه را از زبان میوه دلش، امام حسن مجتبی (علیه السلام): «در شب جمعه ای، مادرم را در محراب عبادت نظاره می کردم. تمام شب را به قیام و قعود و رکوع و سجود مشغول بود تا آن گاه که سپیدی صبح سر زد. می شنیدم که مردان و زنان مؤمن را یکایک نام می برد و فراوان دعایشان می کند؛ در حالی که هیچ دعایی برای خود نمی کرد. پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنید، برای خودتان دعا نمی کنید. فرمود: فرزندم! ابتدا همسایه، سپس خانه. [8]

آری، شیوه معمول فاطمه به هنگام دعا و نیایش، این گونه بود. فاطمه هیچ گاه خودش را نمی دید؛ اینار محض بود و زیباترین سرمشوق بخشش.

و اما کیفیت عبادت فاطمه هرگز در عقل و خیال ما نمی گنجد. حال روحی او را در هنگامه عبادت، خدا می داند و بس.

برای ما فرشیان کوتاه اندیش، عظمت مرتبه عبادات فاطمه، هرگز قابل درک و تصور نیست. تمام وسع ما در این عرصه، آن خواهد بود که به کلام امینان وحی پناه آوریم تا شاید گوشه ای از عظمت بی مثال عبادات او را نظاره گر شویم.

در آینه زلال روایات که بنگریم، عبادت فاطمه، آن چنان بلند و بی همتاست که خداوند، بدان بر ملائکه خویش مباحثات می کند:

آن گاه که فاطمه در محراب عبادت، در پیشگاه پروردگار به نماز می ایستد، نور عبادتش برای ملائکه آسمان درخشیدن می گیرد؛ به سان نور ستارگان برای اهل زمین و خداوند پر عزت و جلالت، خطاب به فرشتگانش می فرماید:

ملائکه من! بر بنده ام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید؛ بر درگاه من ایستاده، در حالی که بندبند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمام قلبش به عبادت من روی نهاده است. شما را گواه می گیرم که شیعیانش را از آتش، نجات و ایمنی بخشیدم...[\[9\]](#)

از لحاظ کیفیت ظاهری به هنگام عبادت، چنان خوف و خشیت الهی در بدنش ظاهر می شد که تمام وجودش به لرزه می افتاد و تمام اعضا و جوارحش ترسان و لرزان می گشت.

اما عبادت فاطمه، از لحاظ کیفیت معنوی، آن چنان بی مانند است که درخشندگی نور آن باعث حیرت و لذت ملائکه مقرب الهی می گردد؛ تا جایی که هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب الهی [\[10\]](#) جملگی بر او سلام و تحیت می فرستند و به تأیید و تشویق او می پردازند [\[11\]](#)

آری، عبادت حضرت زهرا (علیها السلام) موجب بُهت، لذت و بهجت فرشتگان مقرب الهی می شود؛ آن فرشتگانی که تمام عمر خود را به عبادت گذرانده اند؛ چرا که عبادت چون غذای روح آنهاست و اگر لحظه ای خدا را تسبیح و تقدیس نکنند، همانند گرسنه ای خواهند بود که هیچ غذایی ندارد؛ مخلوقاتی که نه تنها کار خودشان عبادت مداوم است، بلکه در طول تاریخ بشری عبادت های پُرشماری را از انبیا و دوستان خدا دیده اند. چنین موجودات والامقام و عظیمی، وقتی نور عبادت زهرا در آسمان ها درخشیدن می گیرد، [\[12\]](#) از عظمت آن در شگفت می شوند و از مشاهده زیبایی آن، غرق مسرت و لذت می گردند.

حال، این چه نوری است؟ فرشتگان چگونه اند و حیرت و لذتشان به چه صورت است؟ جمال و زیبایی نور عبادت فاطمه تا چه اندازه است که لذت بخش ملائکه مقرب الهی می شود؟ عبادت او را چه کیفیت و چه عظمتی است که حیرت فزای چنان موجودات عظیمی می گردد؟ سؤال هایی است که پاسخ آن از گستره عقل های ما بیرون است.

این گونه روایات پُر بها، در بردارنده حکمت ها و حقیقت هایی بسیار است که در حد فهم ناقص ما، این گونه بیان شده است.

در این روایت شریف، شاید دلالتی بس ژرف و عمیق بر اوج مرتبه وجودی فاطمه زهرا (علیها السلام) نهفته باشد؛ چرا که میزان جمال معنوی هر عملی در گرو شدت مرتبه وجودی صاحب آن است. هرچه کمال و رتبه وجودی موجودی والاتر و بالاتر باشد، جلوه نُمایی آن وجود از جمال و جلال الهی گسترده تر و بیشتر خواهد بود و هر چه جلوه نُمایی موجودی از جمال دلربای خدایی بیشتر باشد، مشاهده آن وجود و متعلقات آن، حیرت افزاتر و لذت بخش تر خواهد بود [13]

نظاره اوج مقامات معنوی فاطمه زهرا (علیها السلام) دیگر جای هیچ شك و تردیدی باقی نمی گذارد که در سیر و سلوک به سوی حق، محدودیت جنسی وجود ندارد. زن و مرد، از جهت ارزش ذاتی و حقیقت انسانی، در پیشگاه الهی یکسانند و در سیر بندگی و امکان رسیدن به مقامات عالی معنوی هیچ مزیت و رجحانی بر یکدیگر ندارند: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً... [14] هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک و پسندیده زنده می داریم. ...

چنین آیاتی از قرآن کریم، خود گواه این حقیقت است که مرد و زن، به طور یکسان از جوهر انسانیت برخوردارند و در تقرب به حق هیچ تفاوتی میان ایشان نیست؛ اما در هر يك از مرد و زن توانایی و استعداد ویژه ای در به ظهور رسانی صفات الهی نهاده شده است. طبق آفرینش الهی، مردان در به ظهور رسانی صفات جلال و زنان در به ظهور رساندن صفات جمال آمادگی و توانایی بیشتری یافته اند. در روح لطیف زن استعداد ویژه ای برای تجلی و ظهور يك دسته خاص از صفات الهی، قرار داده شده است؛ صفاتی نظیر رحمت، محبت، عطوفت، رأفت، گذشت، کرامت، حکمت، درایت، ظرافت، لطافت و... زن، هنگامی در پرواز به سوی جمال و کمال مطلق اوج می گیرد که این استعداد خدادادی را در وجود خویش بشناسد، بیابد و به شکوفایی رساند.

همواره در طول تاریخ زنانی بوده اند که با استفاده کامل از این استعداد، با سرعتی چشم گیر به فتح قله های معرفت و عبودیت نایل آمده اند. زنانی بوده اند که نه تنها خود به اوج عرفان رسیده اند، عارفان بزرگی را پرورانده اند؛ برای نمونه، جناب محیی الدین بن عربی که از چهره های برجسته و درخشان (۱۶) عرفان اسلامی است، دست پرورده دو بانوی عارف اسپانیایی است. (۱۷) اگر آن دو زن عارف اسپانیایی نمی بودند، شاید ابن عربی پرورده نمی شد و عرفان اسلامی به اوج خود نمی رسید.

[1] قال الحسن البصرى: مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ. كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمُ قَدَمَاهَا. بحارالانوار: ج ٤٣، ص ٧٥، روایت ٦٢.

[2] شعر از مرحوم آقابزرگ قمی. اختران ادب: ج ١ ص ٨٢.

[3] رسول الله (صلى الله عليه وآله): وَ اللَّهُ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوَ غَيْرِ عَلِيٍّ. بحارالانوار: ج ٤٣، ص ١٠٧، روایت ٢٢.

[4] آل عمران (٣): ١٩١ - ١٩٥.

[5] رسول الله (صلى الله عليه وآله): يَا سَلْمَانَ! إِنَّ فَاطِمَةَ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مَشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِعِبَادَةِ اللَّهِ.

[6] فاطمة الزهرا (عليها السلام): تَفَكَّرْتُ فِي حَالِي عِنْدَ ذَهَابِ عُمُرِي وَ نُزُولِي فِي قَبْرِى قَشَبْتُ دُخُولِي فِي فِرَاشِي يَمْنَزِلِي كَدُخُولِي إِلَى لِحْدِي وَ قَبْرِى فَأَنْشِدُكَ اللَّهُ إِنْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَنَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى هَذِهِ اللَّيْلَةَ... احقاق الحقي: ج ٤، ص ٤٨١.

[7] ثُمَّ أَتَاهُمَا فِي صَبِيحَتِهِمَا فَسَأَلَ عَلِيًّا: كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ... . بحارالانوار: ج ٤٢، ص ١١٧.

[8] الامام الحسن (عليه السلام) : رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهِ؛ فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى أَتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْتُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا يَشَىءَ فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَاهُ! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ. فَقَالَتْ: يَا بَنِي! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ. بحارالانوار: ج ٤٣، ص ٨١، روایت ٣؛ ج ٨٩، ص ٣١٣، روایت ١٩.

[9] رسول الله (صلى الله عليه وآله):... أَمَا ابْنَتِي فَاطِمَةُ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورَ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! أَنْظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ، سَيِّدَةِ إِمَائِي، قَائِمَةَ بَيْنَ يَدَيَّ يَرْتَعِدُ قَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلَتْ يَقْلِبُهَا عَلَى عِبَادَتِي. أَشْهَدُكُمْ أَيُّ قَدْ آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ... . بحارالانوار: ج ٢٨، ص ٣٨، روایت ١.

[10] رسول الله (صلى الله عليه وآله):... إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا يَمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرِيَمَ قَيْقُولُونَ: يَا فَاطِمَةَ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ... . بحارالانوار: ج ٣٧، ص ٨٤، روایت ٥٢ و نیز ج ٤٣٣، ص ٢٤، روایت ٢٠.

[11] رسول الله (صلى الله عليه وآله)... أَمَا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَّبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ... يُؤْنِسُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَنَادَتْهَا يَمَا نَادَتْ يَهُ مَرِيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةَ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. يَا فَاطِمَةَ! أُفْنِتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّكَّاعِينَ. بحارالانوار: ج ٢٨، ص ٣٧، روایت ١ و نیز ج ٤٣، ص ١٧٢، روایت ٣.

[12] الامام الصادق (عليه السلام) في جواب «لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، زَهْرًا؟»: «لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. بحارالانوار: ج ٤٣، ص ١٢، روایت ٦.

[13] با الهام از خودشناسی برای خودسازی، آیت الله مصباح یزدی: ص ٣١.

[14] نحل (١٦): ٩٧